

بررسی تاثیر اسیدسالیسیلیک بر بهبود صفات مورفوفیزیولوژیک سه توده گیاه زنیان در منطقه دامغان

بهاره کاشفی^{۱*}، جوادمینوئی مقدم^۱ و سعید دوازده امامی^۲

^۱ گروه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دامغان، ایران، ^۲ عضو هیئت علمی، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸)

چکیده:

زنیان با نام علمی *Carum copticum* L. از جمله گیاهان دارویی بومی است که دارای کاربردهای بسیاری در صنایع دارویی و طب سنتی است. اسیدسالیسیلیک ترکیب فنولی ساده‌ای است که در تنظیم بسیاری از فرآیندهای رشد و نمو گیاه نقش ایفا می‌نماید. این تحقیق به منظور بررسی اثر اسیدسالیسیلیک بر برخی خصوصیات مورفولوژیک و فیزیولوژیک سه توده زنیان در شرایط اقلیمی منطقه دامغان، در سال زراعی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ اجرا گردید. آزمایش بصورت فاکتوریل در قالب طرح بلوک‌های کامل تصادفی، در سه تکرار انجام شد. در این تحقیق از سه توده زنیان شامل توده‌های اصفهان، اراک و فریمان مشهد و تیمار اسیدسالیسیلیک در سه سطح ۰/۵، ۱ و ۱/۵ میلی‌مول بر لیتر به همراه شاهد استفاده گردید. در انتهای فصل رشد گیاهان، صفات مورفوفیزیولوژیک شامل ارتفاع گیاه، طول ساقه اصلی، تعداد چتر و چترک، وزن خشک اندام هوایی و بذری، وزن هزار دانه، میزان پرولین، قند و محتوای کلروفیل (a، b، کل و کاروتنوئید) اندازه‌گیری شد. نتایج این آزمایش حاکی از تاثیر بالاترین سطح اسیدسالیسیلیک بر اکثر صفات مورد ارزیابی توده‌های زنیان بود. توده اراک بیشترین واکنش و فریمان کمترین واکنش را نسبت به این تیمار نشان داد. توده اراک دارای بهترین واکنش نسبت به شرایط اکولوژیک دامغان بود و در شاخص‌های مورد ارزیابی بهترین عملکرد را داشت. اثرات متقابل توده و سطوح اسیدسالیسیلیک در کلیه صفات معنی‌دار بود.

کلمات کلیدی: شرایط آب و هوایی، تنظیم‌کننده، زنیان، صفات رشدی، گیاه دارویی، عملکرد.

مقدمه:

زنیان نامیده می‌شود. در فلور ایران محل رویش آن در بلوچستان، آذربایجان، تبریز، اصفهان، خوزستان بین ایذه و ده-دز در ارتفاعات ۱۱۰۰ متری، فارس، کرمان: باقین، مکران، خراسان: تربت حیدریه که به صورت خودرو می‌روید، ذکر شده است (قهرمان، ۱۳۸۳). این گیاه بیشتر در مزارع غلات و در پرچین‌ها در نواحی مختلف اروپای مرکزی و در آسیا، هندوستان، ایران و مصر می‌روید (میرحیدر، ۱۳۷۵). گیاه زنیان به عنوان منبع بسیار غنی از تیمول و ماده‌ای ضد عفونی‌کننده معروف است. (ماهوان، ۱۳۸۱). تمامی گیاهان عالی دارای

گیاهان دارویی از ارزش و اهمیت خاصی در تأمین بهداشت و سلامت جوامع، هم به لحاظ درمان و هم به لحاظ پیشگیری از بیماری‌ها برخوردار هستند (سپهوند و همکاران، ۱۳۸۴). گیاه دارویی زنیان با نام علمی *Carum copticum* L. گیاهی است علفی، یکساله، بی‌کرک و به ارتفاع ۳۰-۹۰ سانتی‌متر که دارای گل‌هایی به رنگ سفید و مجتمع می‌باشد. میوه (بذری) آن کوچک، بیضوی به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد و دارای بوئی شبیه بوی تیمول است که قسمت مورد استفاده گیاه و به نام

افزایش رشد مربوط به اثرات مستقیم اسیدسالیسیلیک بود. گیاه دارویی ریحان به هنگام مواجهه با تنش خشکی، با بستن روزنه ها و تنظیم اسمزی و افزایش انباشت پرولین و قندهای کل، شرایط تنش را تا حدی تحمل می کند (Daneshmandi and Azizi, 2009). همچنین در مطالعه ای که توسط Abd El Lateef Gharib و همکاران (۲۰۱۴) انجام شد، نشان داده شد که کاربرد اسیدسالیسیلیک منجر به افزایش معنی دار میزان رنگیزه های فتوسنتزی در گیاهان ریحان و مرزنجوش شد. با این حال تاکنون تحقیقات اندکی در زمینه بررسی تاثیر مناطق بر شاخص های رشدی توده های متفاوت گیاه زنیان و تعیین بهترین توده و همچنین تاثیر تنظیم کننده های رشد بر آن صورت گرفته است، لذا بسط و توسعه چنین تحقیقاتی به منظور گسترش کشت و کار گیاهان دارویی حائز اهمیت می باشد. بنابراین تحقیق حاضر به منظور مطالعه تاثیر اسیدسالیسیلیک در غلظت های متفاوت بر برخی صفات رشدی و عملکرد توده های بومی زنیان در منطقه دامغان به اجرا در آمد.

مواد و روش ها:

آماده سازی خاک و عملیات کاشت: این طرح در مزرعه تحقیقاتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان با عرض جغرافیایی (۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه) و طول جغرافیایی (۵۳ درجه و ۴۲ دقیقه) و ارتفاع ۱۱۵۵ متر از سطح دریا در سال زراعی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ انجام شد. شهرستان دامغان در حد فاصل ارتفاعات میانی البرز و دشت کویر، دارای شرایط اقلیمی متنوعی از اقلیم مرطوب تا اقلیم های خشک و فراخشک است. بارندگی قلیل، اختلالات درجه حرارت شب و روز و فصل خشک طولانی (بین ۷ تا ۹ ماه) از ویژگی های بارز این شهرستان است. میانگین دمای سالانه در دامغان ۱۵/۱ درجه سانتی گراد و میزان بارندگی کمتر از ۴۰۰ میلی متر در سال می باشد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ زمین دیسک زده شد تا جهت کاشت آماده گردد، سپس به وسیله فاروئر جوی، پشته هایی با عرض ۳۰ سانتی متر ایجاد گردید، براساس گزارش های

تنظیم کننده هایی هستند که توسط گیاه تولید شده، به طور معمول از محل تولید به محل تاثیر انتقال یافته و در آنجا بر فرآیندهای فیزیولوژیکی تاثیر می گذارند. هورمون ها نیز از جمله تنظیم کننده های طبیعی موجود در گیاهان می باشند که در غلظت های پایین، توانایی تنظیم برخی جنبه های رشد و نمو گیاهی را دارا هستند (فتیحی و اسماعیل پور، ۱۳۸۷). اسیدسالیسیلیک به دلیل نقش هایی که در گیاه ایفا می کند، به عنوان یک هورمون گیاهی معرفی شده است. این هورمون و ترکیبات مرتبط با آن، به گروه گوناگونی از مواد فنولیک گیاهی تعلق دارند. اسیدسالیسیلیک در گیاه می تواند به طور فعالانه منتقل، متابولیزه یا متصل شده و به سرعت از نقطه کاربرد اولیه به بافت های دیگر گیاه منتقل شود (Raskin et al., 1992). اسیدسالیسیلیک بطور طبیعی در گیاهان تولید شده و در فرآیندهای فیزیولوژیکی گیاهان همانند بستن روزنه ها، جذب یون، سنتز پروتئین، سنتز کلروفیل، جلوگیری از بیوسنتز اتیلن نقش دارد (Shakirova et al., 2003). تنش ها موجب فعال شدن مسیر سنتز اسیدسالیسیلیک می شوند (Borsani et al., 2001). همچنین این ترکیب به علت افزایش آنتی اکسیدان های سلول و حفاظت گیاهان در برابر تخریب اکسیداتیو ناشی از انواع تنش های زیستی و غیرزیستی، منجر به تحریک رشد گیاه می شود (El-Tayeb, 2005). اثرات دیگر اسیدسالیسیلیک و نقش کنترلی آن در فیزیولوژی گیاهی شامل بازدارنده های بیوسنتز اتیلن، افزایش سرعت فتوسنتز و مقدار کلروفیل است (Leslie and Romani, 1988). تیمار اسیدسالیسیلیک منجر به کاهش سطوح اینورتاز و محتوای قندهای احیاشونده می شود. درحالی که اثر معکوس بر روی محتوای قندهای غیراحیاشونده دارد (Aghdam et al., 2009). مطالعات زیادی در زمینه اثر اسیدسالیسیلیک بر شاخص های رشد و تغییرات درونی و سیستمی گیاهان مختلف انجام شده و نقش این مواد در کنترل و تغییر فعالیت های بیولوژیکی گیاهان مختلف به اثبات رسیده است (Raskhin et al., 1992). در همین رابطه Eraslan و همکاران (۲۰۰۷) گزارش کردند که میزان وزن خشک ریشه هویج با تیمار به وسیله اسیدسالیسیلیک افزایش یافت که این

و خشک اندام هوایی و بذر، وزن هزار دانه، تعداد چتر و چترک نیز در این مرحله اندازه‌گیری و محاسبه شد. جهت محاسبه وزن خشک بذر، ابتدا بذر را با دست از هر گیاه جدا و داخل پاکت‌های کاغذی ریخته و برای تسریع در خشک کردن در آن در دمای ۴۰ درجه سانتی‌گراد به مدت ۷۲ ساعت قرار داده شد. پس از آن بذر جدا شده از هر گیاه به وسیله ترازوی دیجیتال توزین و یادداشت‌برداری شد.

اندازه‌گیری میزان کلروفیل و کاروتنوئید به روش آرنون (Arnon, 1967): مقدار نیم گرم از ماده تر گیاهی (برگ) در هاون چینی ریخته، به خوبی له شد. ۲۰ میلی لیتر استن ۸۰٪ به نمونه اضافه، سپس در دستگاه سانتریفیوژ با سرعت ۶۰۰۰ دور در دقیقه به مدت ۱۰ دقیقه قرار داده شد. سپس مقدار جذب نمونه‌ها به طور جداگانه در طول موج‌های ۶۶۳، ۶۴۵ و ۴۷۰ نانومتر توسط دستگاه اسپکتروفوتومتر قرائت شد. در نهایت با استفاده از فرمول‌ها میزان کلروفیل a، b، کل و کاروتنوئیدها (فرمول ۱ تا ۴) برحسب میلی‌گرم بر گرم وزن تر نمونه محاسبه شد.

- 1) Chl a: $(19.3 \times A_{663} - 0.86 \times A_{645}) \times V / 100W$
- 2) Chl b: $(19.3 \times A_{645} - 3.6 \times A_{663}) \times V / 100W$
- 3) Chl T: $(22.9 \times A_{645} + 8.02 \times A_{663}) \times V / 1000W$
- 4) Carotenoid: $100(A_{470} - 3.27(mg \cdot chl \ a) - 104(mg \cdot chl \ b)) / 227$

V: حجم محلول صاف شده (محلول حاصل از سانتریفیوژ)، W: وزن تر نمونه برحسب گرم، A: جذب نور در طول موج های ۶۶۳، ۶۴۵ و ۴۷۰ نانومتر.

سنجش پرولین به روش Bates و همکاران (۱۹۷۳): نیم گرم از بافت تازه برگ را در هاون ریخته، آن را کوبیده و درون لوله آزمایش ریخته، سپس ۱۰ میلی لیتر سولفوسالیسیلیک اسید ۳٪ به لوله آزمایش اضافه گردید. لوله در دستگاه سانتریفیوژ با دور ۶۰۰۰ به مدت ۱۰ دقیقه در دمای ۴ درجه سانتی‌گراد قرار داده، سپس ۲ میلی لیتر از عصاره رویی را در لوله آزمایش جدید ریخته و ۲ میلی لیتر اسید نین‌هیدرین و ۲ میلی لیتر اسیداستیک‌گلاسیال به آن اضافه و به خوبی هم زده شد. همزمان مقدار ۲ میلی لیتر از محلول‌های استاندارد صفر، ۴، ۸، ۱۲، ۱۶ و ۲۰ میلی گرم در لیتر پرولین خالص را درون لوله‌های

موجود (دوازده امامی و همکاران، ۱۳۸۸)، بذرها با فاصله ۷ سانتیمتر از یکدیگر روی ردیف و عمق کاشت ۲-۳ سانتی‌متر جهت حصول بهترین عملکرد کشت شدند. به منظور تسهیل در سبز شدن بذر و جلوگیری از سله بستن خاک روی آنها به جای خاک، با مخلوط ماسه و ورمی‌کمپوست پوشانده شد. برای هر تیمار ۴ خط کاشت به طول ۲ متر طراحی و اجرا گردید.

اعمال تیمار: عوامل آزمایشی شامل سه توده مختلف زنیان (*Carum copticum* L.) اصفهان، اراک و فریمان-مشهد که همه در یک زمان کاشته شد و تیمارهای مربوط به کاربرد اسیدسالیسیلیک به صورت محلول‌پاشی برگ‌گی در سه سطح (۰/۵، ۱ و ۱/۵ میلی مول بر لیتر) و شاهد (بدون محلول‌پاشی) در سه زمان مختلف شامل قبل از گلدهی، در زمان گلدهی و بعد از گلدهی اعمال شد. برای تسهیل در سبز شدن بذر و جلوگیری از سله بستن خاک روی آنها به جای خاک با مخلوط ماسه و ورمی‌کمپوست پوشانده شد که ماسه جهت پوشش‌دهی و ورمی‌کمپوست نیز جهت حفظ رطوبت انتخاب شدند. اولین آبیاری پس از کاشت شروع و تا زمان سبز شدن به صورت نم‌به‌نم و پس از آن براساس میزان تبخیر از تشتک تبخیر تعبیه شده در کنار زمین انجام گرفت.

نمونه‌برداری و اندازه‌گیری: پس از اعمال تیمارها و زمانی که بوته‌ها به حداکثر رشد فیزیولوژیکی رسیدند (حداکثر رشد فیزیولوژیکی مصادف با مرحله تشکیل بذر بود که در آن ۵۰ درصد گیاهان در حال پر کردن دانه بودند)، از هر تیمار تعداد ۸ گیاه با رعایت اثر حاشیه‌ای از کناره‌ها و ابتدا و انتهای هر خط کاشت، از دو خط کاشت وسط و به صورت تصادفی انتخاب شد. پس از انجام نمونه‌برداری، گیاهان تیمار شده جهت اندازه‌گیری و تعیین برخی از فاکتورهای مورفوفیزیولوژیک (ارتفاع گیاه، طول ساقه اصلی، تعداد چتر و چترک، وزن خشک اندام هوایی و بذر، وزن هزار دانه، میزان پرولین، میزان قند و میزان کلروفیل a، b، کل و کاروتنوئیدها) به آزمایشگاه منتقل شدند.

سنجش شاخص‌های رشد: طول بزرگ‌ترین ساقه به وسیله خط‌کش برحسب سانتی‌متر از سطح خاک تا انتها اندازه‌گیری شد و میانگین طول ساقه برای هر تیمار محاسبه گردید. وزن تر

تثبیت رنگ آنها، نمونه‌ها با دستگاه اسپکتروفتومتر با طول‌موج ۴۸۵ نانومتر قرائت شدند. محلولهای استاندارد گلوکز نیز در ۶ سطح آماده و در طول موج ۴۸۵ نانومتر قرائت شد و پس از آن بر اساس نتایج به‌دست آمده منحنی استاندارد رسم و معادله خط (۶) به‌دست آمد و براساس آن میزان قندهای محلول در هر نمونه محاسبه شد.

$$6) Y = 0.0215X - 0.0504 \quad (R^2 = 0.9861)$$

تجزیه و تحلیل داده‌ها: پس از اجرای طرح و جمع‌آوری

داده‌ها، تجزیه و تحلیل آماری براساس طرح آزمایشی با استفاده از نرم‌افزار SAS و MSTATC انجام شد. مقایسه میانگین از طریق آزمون چند دامنه‌ای دانکن در سطح احتمال ۱ و ۵٪ تعیین شد. همچنین برای رسم نمودارها از نرم‌افزار Excel استفاده شد.

نتایج و بحث:

نتایج حاصل از تجزیه داده‌ها نشان داد که ارتفاع گیاه در بین توده‌های مختلف دارای تفاوت آماری در سطح احتمال ۱ درصد بود و توده اراک در غلظت ۱/۵ میلی‌مول اسیدسالیسیلیک دارای بیشترین ارتفاع بود و با افزایش غلظت اسیدسالیسیلیک میزان ارتفاع نیز افزایش پیدا نمود (جدول ۱). از اثرات اسیدسالیسیلیک در گیاهان می‌توان به اثر این هورمون در افزایش اندازه سلول‌های پارانشیمی اشاره کرد و افزایش در اندازه سلول‌های پارانشیمی باعث افزایش ارتفاع و افزایش وزن بیومس می‌شود (Gutierrez-Coronado, 1998).

در صفت وزن خشک اندام هوایی اثر متقابل کاربرد اسیدسالیسیلیک و توده‌های مختلف زنیان در سطح احتمال ۱ درصد تفاوت معنی‌داری را نشان داد و عملکرد وزن خشک اندام هوایی در توده اراک نسبت به توده اصفهان و فریمان بیشترین عملکرد را داشت (جدول ۱). در صفت وزن خشک بذر همانطور که مشاهده می‌شود با افزایش سطوح اسیدسالیسیلیک میزان وزن خشک بذر در هر توده بهبود یافت و در توده اراک بیشترین عملکرد مشاهده شد، از نظر آماری نیز تفاوت معنی‌داری در سطح احتمال یک درصد بین صفات

جدید ریخته و ۲ میلی‌لیتر اسید نین‌هیدرین و ۲ میلی‌لیتر اسیداستیک‌گلاسیسیال به آن‌ها افزوده و سپس به خوبی مخلوط شد. نمونه‌ها به مدت ۱ ساعت در حمام آب گرم قرار داده شده و برای خنک شدن بر روی یخ قرار گرفت. مقدار ۴ میلی‌لیتر تولوئن به نمونه‌ها اضافه و به مدت ۲۰ ثانیه در دستگاه ورتکس بهم زده شد. استانداردهای پرولین محلول در فاز تولوئن به اندازه لازم در کووت دستگاه اسپکتروفتومتر ریخته شده و مقدار پرولین در طول موج ۵۲۰ نانومتر قرائت و منحنی استاندارد رسم گردید. سپس میزان جذب در نمونه‌های گیاهی را قرائت نموده و با قرار دادن آن در معادله خط (۵) مقدار پرولین محاسبه شد.

$$5) Y = 0.2125X - 0.1911 \quad (R^2 = 0.9282)$$

اندازه‌گیری کل قندهای محلول به روش تغییر داده شده

Esheligel (۱۹۸۶): نمونه برگی خشک شده در آون از الک

با مش ۸ عبور داده شد و ۰/۱ گرم از نمونه آسیاب شده را درون فالكون ریخته و ۱۵ میلی‌لیتر اتانول ۸۰٪ که قبلاً گرم شده بود اضافه گردید و به مدت ۲۰ ثانیه ورتکس شد. نمونه‌ها در دستگاه سانتریفیوژ به مدت ۱۰ دقیقه با سرعت ۳۰۰۰ دور در دقیقه قرار گرفتند. فالكون‌های حاوی عصاره به مدت ۲۴ ساعت در آون با دمای ۵۰ درجه سانتی‌گراد نگهداری شدند تا اتانول آن‌ها تبخیر شد. پس از تبخیر الک، فقط جرم زرد رنگ یا سفید رنگی در کف پتری‌ها باقی ماند، که با ۴۰ میلی‌لیتر آب مقطر شستشو و درون فالكون ۵۰ میلی‌لیتر ریخته شد. به منظور حذف رسوبات اضافی و ترکیبات دیگر، مقدار ۵ میلی‌لیتر از محلول ۵٪ سولفات روی و ۴/۷ میلی‌لیتر از محلول هیدروکسیدباریم ۰/۳ نرمال را کاملاً ورتکس کرده و به فالكون‌ها اضافه شدند. فالكون‌ها به مدت ۱۰ دقیقه با سرعت ۳۰۰۰ دور در دقیقه سانتریفیوژ شدند. مقدار ۲ میلی‌لیتر از عصاره فاز مایع بعد از سانتریفیوژ به لوله آزمایش ۱۵ میلی‌لیتر منتقل شد. به هر لوله آزمایش ۱ میلی‌لیتر محلول ۵٪ فنل اضافه نموده، سپس به شدت تکان داده تا کف در آن ظاهر شود. سپس مقدار ۵ میلی‌لیتر اسیدسولفوریک ۹۸٪ به داخل هر یک از نمونه‌ها اضافه شد. ۴۵ دقیقه پس از آماده‌سازی محلول‌ها و

مشاهده شد (جدول ۱). وزن خشک بذر از جمله مهم‌ترین فاکتورهای رشدی و نشان‌دهنده عملکرد در گیاهان خانواده چتریان و گیاهانی است که از بذور آنها استفاده می‌شود. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد در بین گونه‌های مختلف گیاه زنیان که در شرایط یکسانی کشت شده‌اند میزان عملکرد بذر متفاوت است که نشان‌دهنده توانایی‌های متفاوت در بین توده‌های مختلف یک گونه است و همچنین واکنش تمامی توده‌ها به افزایش غلظت اسیدسالیسیلیک، افزایش در میزان وزن خشک بذر بود، اما شدت واکنش نسبت به گونه‌های مختلف متفاوت و در مقایسه اثرات متقابل در سطح احتمال ۱ درصد معنی‌دار بود.

محققین گزارش کردند در گیاهان، سنتز بسیاری از پروتئین‌ها و فعال شدن مسیرهای بیوسنتز برخی از مواد به وسیله فیتوهورمون‌هایی مثل اسیدآبسیزیک، اسیدسالیسیلیک و جاسمونات‌ها تحریک می‌شوند و از آنجایی که اسیدسالیسیلیک و اثرات آن بر رشد و نمو اثبات شده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که افزایش وزن خشک بذر ناشی از اثر مستقیم و غیرمستقیم این هورمون است که دیگر محققین (Lang, 1986) نیز چنین نتایجی را به دست آوردند.

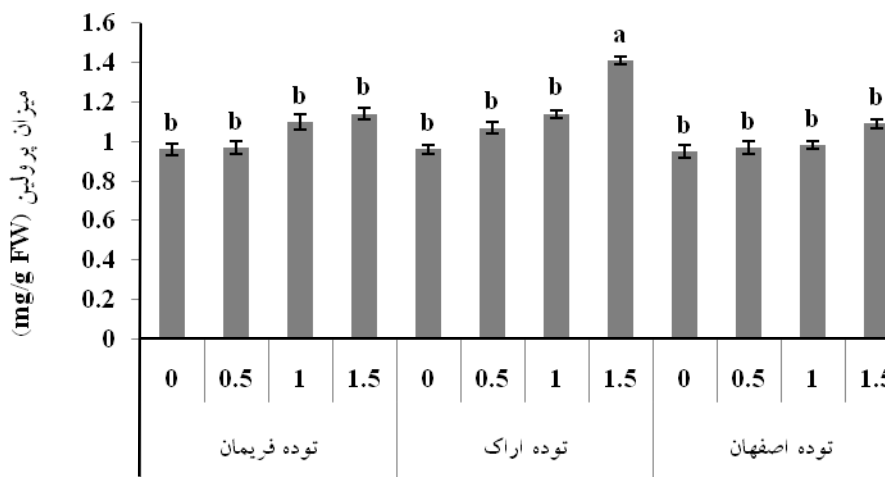
بررسی اثر متقابل داده‌های حاصل از تجزیه واریانس صفت وزن هزار دانه نشان داد که اثر متقابل کاربرد سطوح مختلف اسید سالیسیلیک و توده‌های زنیان در سطح احتمال ۵ درصد دارای اثر معنی‌دار بودند، به طوری که بیشترین میزان در تیمار ۱/۵ میلی‌مول اسیدسالیسیلیک در توده فریمان مشاهده شد (جدول ۱). وزن هزار دانه در این آزمایش تحت‌تأثیر غلظت اسیدسالیسیلیک افزایش معنی‌داری یافت و با افزایش غلظت، وزن هزار دانه افزایش یافت و در بیشترین اختلاف به میزان ۱/۲۳ برابر رسید. علت افزایش وزن هزار دانه را می‌توان به اثر اسیدسالیسیلیک در اختصاص مواد فتوسنتزی و توانایی جابجایی مواد از محل ذخیره به منبع دانست، چرا که توانسته است با افزایش غلظت اسیدسالیسیلیک مواد بیشتری را اختصاص دهد (Grieve et al., 1992).

اثرات متقابل داده‌های مربوط به صفت تعداد چتر نشان داد

توده اراک در میان تمامی توده‌ها، دارای بیشترین تعداد چتر نسبت به توده‌های فریمان و اصفهان بود (جدول ۱). اثرات متقابل داده‌های مربوط به صفت تعداد چترک نشان داد تیمار ۱/۵ میلی‌مولار اسیدسالیسیلیک و توده اراک بیشترین افزایش را در شمارش تعداد چترک به میزان ۱۱/۵۵ عدد و کمترین تعداد در تیمار عدم کاربرد اسیدسالیسیلیک و توده اراک با ۷/۶۲ عدد به‌خود اختصاص داد (جدول ۱).

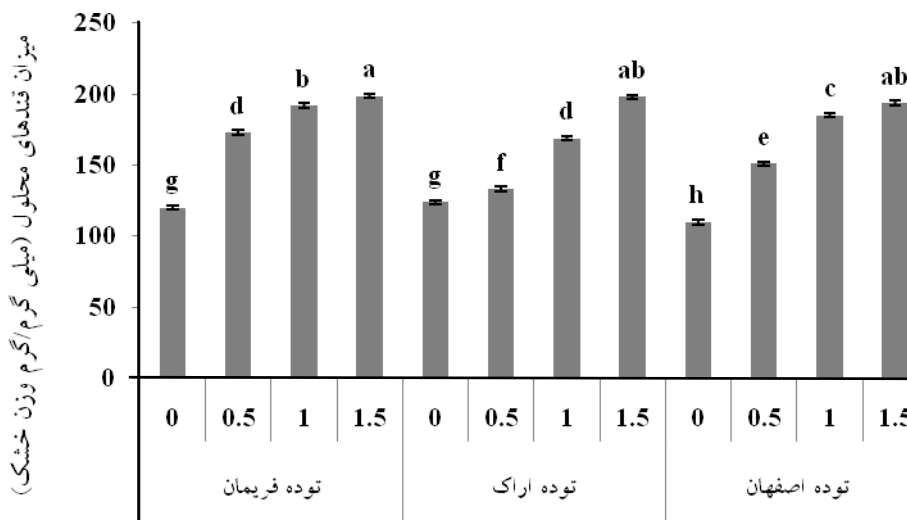
نتایج حاصل از تجزیه واریانس داده‌های حاصل از اندازه‌گیری میزان پرولین نشان داد این صفت در سطح احتمال ۵ درصد دارای تفاوت معنی‌دار بود. بیشترین میزان پرولین در توده اراک و کاربرد اسیدسالیسیلیک با غلظت ۱/۵ میلی‌مول مشاهده شد (شکل ۱). یکی از تغییرات بیوشیمیایی جهت سازش با شرایط محیطی جدید در گیاهان، سنتز محلول‌های سازگار می‌باشد که یکی از این محلول‌ها پرولین است. کاربرد سالیسیلیک اسید باعث افزایش سازگاری اسمزی شد، چون افزایش پرولین در برگ‌های گیاهانی که با سالیسیلیک اسید تیمار شده بودند مشاهده شد. دلیل افزایش میزان پرولین در تیمار ۱/۵ میلی‌مولار اسیدسالیسیلیک و توده اراک نسبت به دیگر تیمارها این است که، احتمالاً این توده در شرایط محیطی جدید برای مقاومت و تحمل، پرولین را که از متابولیت‌های سازگاری می‌باشد، بیشتر انباشته می‌کند. افزایش پرولین منجر به حفظ تورم و کاهش خسارت غشاء در گیاهان می‌شود بدین ترتیب با تعدیل اسمزی، تحمل به تنش‌های احتمالی محیطی را افزایش می‌دهد (Shakirova et al., 2003). در گیاهان پرولین از طریق گلوتامات یا اورنیتین و با فعالیت آنزیم‌های پیرولین-۵-کربوکسیلات سنتتاز (P5CS) و یا اورنیتین آمینوترانسفراز (OAT) سنتز می‌گردد. اسیدسالیسیلیک از طریق فعالسازی P5CS2 می‌تواند منجر به افزایش بیوسنتز و تجمع پرولین گردد؛ همچنین میزان تجمع پرولین به تجزیه شدن بوسیله آنزیم پرولین دهیدروژناز (PDH) بستگی دارد (Fabro et al., 2004).

میزان قندهای محلول در این آزمایش تحت‌تأثیر سطوح مختلف اسیدسالیسیلیک افزایش پیدا کرد و با افزایش غلظت اسیدسالیسیلیک میزان قندهای محلول در تمامی توده‌ها افزایش



اثر متقابل نوع توده و اسید سالیسیلیک

شکل ۲- اثر متقابل تیمار اسیدسالیسیلیک بر میزان پرولین بر سه توده مختلف زنیان. حروف غیرمشابه روی هر ستون نشان دهنده تفاوت معنی دار براساس آزمون دانکن ۱ درصد ($P < 0.01$) می باشد.



اثر متقابل نوع توده و اسید سالیسیلیک

شکل ۲- اثر متقابل تیمار اسیدسالیسیلیک بر میزان کربوهیدرات بر سه توده مختلف زنیان. حروف غیرمشابه روی هر ستون نشان دهنده تفاوت معنی دار براساس آزمون دانکن ۱ درصد ($P < 0.01$) می باشد.

شد که نشان دهنده تاثیر بسیار زیاد اسیدسالیسیلیک بر میزان قندهای محلول است. مقدار تجمع قندها با تیمار اسیدسالیسیلیک افزایش یافت و افزایش مقدار قندهای محلول را می توان به علت، سنتز این ترکیبات از مسیر غیرفتوسنتزی و همچنین تخریب قندهای نامحلول که باعث افزایش قندهای محلول می شود (El-Tayeb, 2005)، نسبت داد. اسیدسالیسیلیک

پیدا نمود. در توده فریمان با بیشترین تاثیرپذیری از محلول پاشی اسیدسالیسیلیک بالاترین مقدار قندهای محلول مشاهده شد (شکل ۲). افزایش رنگیزه های فتوسنتزی می توانند باعث تولید بیشتر مقدار قندهای محلول شود و نتایج نیز موید چنین اثری است، غلظت ۱/۵ میلی مولار اسیدسالیسیلیک باعث افزایش ۶۱ درصدی در میزان قندهای محلول در توده فریمان

علاوه بر آنکه باعث سازگاری بیشتر گیاهان با محیط می‌شود بلکه باعث افزایش عملکرد سیستم فتوسنتزی نیز می‌شود که خود از پیگمان‌های فتوسنتزی تشکیل شده‌اند، پیگمان‌های فتوسنتزی توانایی ایجاد تغییر در میزان عملکرد یا نرخ فتوسنتزی را ندارند، اما ممکن است افزایش در میزان عملکرد به دلیل تغییر ایجاد شده در سایر عوامل متابولیکی از قبیل روویسکو (Rubisco) و فسفوانول پیرووات کربوکسیلاز (PEP carbocsilase) باشد (Singh and Usha, 2003). اگرچه در این پژوهش میزان فعالیت روویسکو اندازه‌گیری و تعیین نشد، ممکن است افزایش در سطح غلظت سالیسیلیک‌اسید میزان فعالیت روویسکو را افزایش دهد که خود می‌تواند در افزایش عملکرد و افزایش نرخ فتوسنتزی موثر باشد (Popova et al., 2009).

نتیجه‌گیری:

به عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت تمامی فرایندهای مهم مانند فتوسنتز، رشد و نمو و عملکرد تحت تأثیر محیط و عوامل محیطی قرار می‌گیرند. گیاهان در محیط دائماً در تعامل به سر می‌برند و برای سازگاری با این شرایط، تغییرات مورفوفیزیولوژیک در ساختار و ترکیب‌ها و فرآیندهای شیمیایی خود ایجاد می‌کنند تا با شرایط بد و ناسازگاری‌های محیطی مقابله نمایند. شناخت و مهارت درک این روابط و انتخاب صحیح توده‌های مناسب گیاهی برای مناطق جدید و مستعد، به تولید بیشتر و ارزش افزوده بیشتر در واحد سطح و کارایی بیشتر سیستم‌های تولیدی کمک می‌کند که از اهداف مهم در کشاورزی پایدار است. در بین توده‌های معرفی شده در این پژوهش و تیمار اسیدسالیسیلیک در غلظت‌های مختلف، توده اراک و غلظت ۱/۵ میلی‌مولار اسیدسالیسیلیک در بسیاری از پارامترهای مورفولوژیک و فیزیولوژیک بیشترین و بهترین عملکرد را نشان داد. این افزایش عملکرد نشان از توانایی این توده در سازگاری با اقلیم منطقه مورد آزمایش و پاسخ مناسب به اعمال تیمار اسیدسالیسیلیک است. در برخی از پارامترهای مورفولوژیک در اثر متقابل توده اراک و اسیدسالیسیلیک، افزایش بیش از دو برابری نسبت به گیاهان شاهد ثبت گردید.

به علت تعدیل در کاهش مقدار رنگیزه‌های فتوسنتزی و احتمالاً با حفظ ساختار و فعالیت آنزیم روویسکو باعث افزایش مقدار قندهای محلول شد (فرزانه و همکاران، ۱۳۹۲). گزارش شده است که تیمار اسیدسالیسیلیک، سیستم آنزیمی هیدرولیزکننده پلی‌ساکاریدها را مهار کرده یا به عبارت دیگر، سرعت تبدیل قندهای نامحلول به قندهای محلول را کاهش می‌دهد. به نظر می‌رسد توانایی اسیدسالیسیلیک در افزایش پلی‌ساکاریدها به توانایی این ماده در جلوگیری از هیدرولیز پلی‌ساکاریدها توسط آنزیم‌های سیستمی هیدرولیزکننده پلی‌ساکاریدها مربوط می‌شود و از طرفی دیگر باعث اتصال قندهای ساده به یکدیگر و تشکیل پلی‌ساکاریدها می‌شود که با نتایج حاصل از این تحقیق مغایرت دارد (Ghasemzadeh et al., 2011).

بررسی اثر متقابل داده‌های حاصل از تجزیه واریانس در میزان کلروفیل a نشان داد که اثر متقابل کاربرد سطوح مختلف اسیدسالیسیلیک و توده‌های زنیان در سطح احتمال ۵ درصد دارای اثر معنی‌دار بودند، به طوری که بیشترین اثر افزایش را تیمار اسیدسالیسیلیک ۱/۵ میلی‌مولار و توده فریمان نسبت به گیاهان شاهد نشان داد (جدول ۱). نتایج حاصل از تجزیه واریانس داده‌های مربوط به میزان کلروفیل b مشخص نمود، بیشترین افزایش مقدار کلروفیل b مربوط به تیمار ۱/۵ میلی‌مول اسیدسالیسیلیک و توده اصفهان بود و تمامی تیمارها از لحاظ آماری دارای تفاوت معنی‌دار در سطح احتمال ۵ درصد بودند (جدول ۱). نتایج در اندازه‌گیری کلروفیل کل متفاوت بود و علی‌رغم اینکه توده اصفهان دارای بیشترین مقدار کلروفیل کل بود، اما از نظر آماری تفاوتی میان بیشترین غلظت اسیدسالیسیلیک و توده‌های مختلف وجود نداشت (جدول ۱). بررسی اثر متقابل داده‌های حاصل از تجزیه واریانس در صفات میزان کاروتنوئیدها نشان داد که اثر متقابل کاربرد سطوح مختلف اسیدسالیسیلیک و توده‌های زنیان در سطح احتمال ۵ درصد دارای اثر معنی‌دار بودند، به طوری که بیشترین میزان، در تیمار اسیدسالیسیلیک ۱/۵ میلی‌مولار و توده فریمان مشاهده شد و با افزایش سطح اسیدسالیسیلیک میزان کاروتنوئیدها در توده‌های مختلف توسعه یافت (جدول ۱). اسیدسالیسیلیک

منابع:

- دوازده امامی، س.، سفیدکن، ف.، جهانسوز، م. ر. و مظاهری، د. (۱۳۸۸) بررسی تاثیر شوری آب آبیاری بر عملکردهای کمی و کیفی گیاه دارویی زنیان (*Carum copticum* L. C.B. Clarke)، تحقیقات گیاهان دارویی و معطر ایران ۲۵: ۵۱۲-۵۰۴.
- فتحی، ق. و اسماعیل پور، ب. (۱۳۸۷) مواد تنظیم کننده رشد گیاهی (اصول و کاربرد)، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، مشهد.
- فرزانه، م.، قنبری، م.، افتخاریان جهرمی، ع. ر. و جوانمردی، ش. (۱۳۹۲) تاثیر محلول پاشی اسیدسالیسیلیک بر میزان اسمولیت‌ها و رنگدانه‌های فتوسنتزی گیاه بادمجان (*Solanum melongena* L.) تحت تنش سرما، اکوفیزیولوژی گیاهی ایران ۴: ۸۳-۷۵.
- قهرمان، ا. (۱۳۸۳) گیاهشناسی پایه جلد ۲. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ماهوان، ا. (۱۳۸۱) فرهنگ گیاهان ایران. انتشارات دفتر جغرافیایی و انتشارات ماهوان (ماه نشر)، مشهد.
- میرحیدر، ح. (۱۳۷۵) معارف گیاهی (کاربرد گیاهان در پیشگیری و درمان بیماری). جلد اول، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- Gharib, F. A. L., Mohamed Zeid, I., Motamed AbdEl-Hameed Salem, O. and Zakaria Ahmed, E. (2014) Effects of Sargassum latifolium Extract on Growth, Oil Content and Enzymatic Activities of Rosemary Plants under Salinity Stress. *Life Science Journal* 11: 933-945.
- Aghdam, M. S., Mostofi, Y., Motallebiazarm, A., Ghasemneghad, M. and Fattahi Moghaddam, J. (2009) Effects of MeSA vapor treatment on the postharvest quality of Hayward kiwifruit. In: 6th International Postharvest Symposium, Antalya, Turkey.
- Bates, L. S., Waldern, R. P. and Tear, I. D. (1973) Rapid determination of free proline for water stress studies. *Plant and Soil* 39:205-207.
- Borsani, O., Valpuesta, V. and Botell, M. A. (2001) Evidence for a role of salicylic acid in the oxidative damage generated by NaCl and osmotic stress in Arabidopsis seedlings. *Plant Physiology* 16:105-1030.
- Daneshmandi, M. Sh. and Azizi, M. (2009) The study on the effect of water stress and mineral zeolite on some quantity and characteristics of Sweet basil (*Ocimum basilicum* L. var.). In: Proceeding of 6th Iranian Horticultural Science Congress Faculty of Agricultural Science, Rasht, Iran.
- El-Tayeb, M. A. (2005) Response of barley gains to the interactive effect of salinity and salicylic acid. *Plant Growth Regulation* 45: 215-225.
- Eraslan, F., Aydin Gunes, A. I. and Alpaslan, M. (2007) Impact of exogenous salicylic acid on the growth, antioxidant activity and physiology of carrot plants subjected to combined salinity and boron toxicity. *Scientia Horticulturae* 113:120-128.
- Esheligl, H. Q. (1986) Die verwertung orgngischer souren durch chlorella lincht. *Planta Journal* 47-51.
- Fabro, G., Kovacs, I., Pavet, V., Szabados, L. and Alvarez, M. E. (2004) Proline accumulation and AtP5CS2 gene activation are induced by plantpathogen incompatible interactions in Arabidopsis. *Molecular Plant-Microbe Interactions* 17: 343-350.
- Ghasemzadeh, A., Hawa, Z. and Jaafar, E. (2012) Effect of salicylic acid application on biochemical changes in ginger (*Zingiber officinale* Roscoe) *Journal of Medicinal Plants Research* 6: 790-795.
- Grieve, C. M., Lesch, S. M., Francois, L. E. and Maas, E. V. (1992) Analysis of main-spike yield components in salt-stressed wheat. *Crop Science* 32: 697-703.
- Gutierrez-Coronado, M. A., Trejo-Lopez. C. and Larque-Saavedra, A. (1998) Effects of salicylic acid on the growth of roots and shoots in soybean. *Plant Physiology and Biochemistry* 36: 563-565.
- Lang, O. F. P. (1986) Reguladores de crecimiento VIII: Efectos del ácido acetilsalicílico y/o dimetilsulfóxido en el rendimiento agronómico de *Phaseolus vulgaris* L. Tesis de Maestría en Ciencias, Colegio de Postgraduados, Chapingo, México.
- Leslie, C. A. and Romani, R. J. (1988) Inhibition of ethylene biosynthesis by salicylic acid. *Plant Physiology* 88: 833-837.
- Popova, L. P., Maslenkova, L. T., Yordanova, R. Y., Ivanova, A. P., Krantev, A. P., Szalai, G. and Janda, T. (2009) Exogenous treatment with salicylic acid attenuates cadmium toxicity in pea seedlings. *Plant Physiology and Biochemistry* 47: 224-231
- Raskin, I. (1992) Role os salicylic acid in plants. *Annual Review of Plant Physiology and Plant Molecular Biology* 43:439-463.
- Shakirova, F. M., Sakhabutdinova, A. R., Brzukova, M. V., Fatkhutdinova, R. A. and Fatkhutdinova, D. R. (2003) Chages in the hormonal status of wheat seedlings induced by salicylic acid and salinity. *Plant Science* 164: 317-322.
- Singh, B. and Usha, K. (2003) Salicylic acid induced physiological and biochemical changes in wheat seedlings under water stress. *Plant Growth Regulation* 39:137-41.

Investigation effect of salicylic acid on morpho- physiologic traits on improve in three masses of *C. copticum* plant in Damghan Area

Bahareh Kashefi^{1*}, Javad Minuyiemoghadam¹ and Saied Davazdah-Emami²

¹Department of Agriculture, Collage of Agriculture, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. ² Agriculture and Natural Research Center of Isfahan, Isfahan, Iran.

(Received: 2 January 2015, Accepted: 18 October 2016)

Abstract:

Ajowan (*Carum copticum* L.) is one of the native medicinal plants that has many applications in the pharmaceutical industry and traditional medicine. Salicylic acid is a simple phenolic compound that plays regulaive role in many developmental processes of plants. This study was done to investigate salicylic acid effect on some of the morphological and physiological traits of three *C. copticum* masses in Damghan climate in 2012-2013. So, the factorial experiment was performed as complete randomized blocks with three replicates. In this study, three masses of Ajowan including Isfahan, Arak and Fariman Mashhad and salicylic acid treatment in three levels of 0.5, 1 and 1.5 mM/l were used. At the end of plant growing season, morph-physiological traits including plant height, height of main stem, number of umbelets and umbrella, dry weight of shoot and seed, thousand-seed weight, proline, carbohydrate and chlorophyll (a, b, total and carotenoid) content were measured. The results showed the impact of high level of salicylic acid on the majority traits of *C. copticum*. Also, Arak mass had the most reaction and Fariman mass had the lowest response to this treatment. Variety of Arak had the best reaction to the Damghan climate and it had the best efficiency in evaluated parameters. There was significant interactions between masses and salicylic acid levels.

Keywords: Ajowan, Climatic condition, Growth traits, Medicinal plant, Regulators, Yield.

*corresponding author, Email: bahareh.kashefi@gmail.com